

■ ترامپ‌یست خواندن جریان و تفکری که از قضا با واقع‌بینی خود مانع از افتادن کشور در دام پیشنهاد‌های ترامپ شده بود، تنها گواهی بر این است که غرب‌گرایان برای اعاده حیثیت سیاسی خود مجبور به تخریب آنها شده‌اند



جریان اصلاح طلب که در مقاطع مختلف ۴ سال گذشته با تحت فشار قرار دادن نظام خواستار مذاکرات بی‌قید و شرط با دولت ترامپ شده بود؛ اکنون با دوگانه‌سازی‌های کاذب مدعی ایجاد فرصت برای مذاکره با دولت بایدن شده‌است

مخلصان ترامپ، چاکران بایدن

باشکست ترامپ این واقعیت مشهود شده‌است که محاسبات جریان غرب‌گرای داخلی درباره‌مناسبات ایران و آمریکا خلاف امنیت و منافع ملی است و هزینه‌های جبران‌ناپذیری به کشور تحمیل می‌کند

گروه سیاسی: با اعلام پیروزی جو بایدن، نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، جریان اصلاحات بر مبنای گویویی که پیش از این نیز قابل پیش‌بینی بود، تمام تلاش خود را معطوف به آن کرد از دل این نتیجه برای موقعیت داخلی خود مطلوبیت و برای تکرار ایده قدیمی پذیرش هر گونه عقب‌نشینی در برابر آمریکا بهانه‌های جدید بیابد؛ ایده‌ای که برخلاف تئوری پردازی‌های چهره‌های اصلاح طلب تقریبا در تمام برهه‌های زمانی تکرار شده و تنها چگونگی بیان آن به حسب شرایط بین‌المللی تغییر کرده‌است. اگر اصلاح‌طلبان در تمام برهه‌های زمانی تکرار شده و آنها چگونگی بیان آن در برابر طرف برادرزاده ایران – واشنگتن بودند، در دوره ترامپ غیر قابل پیش‌بینی بودن او را به عنوان عاملی تهدیدآمیز که لزوم عقب‌نشینی در برابر آمریکا را ایجاد می‌کرد بر حسته می‌کردند و حالا با انتخاب جو بایدن بار دیگر مدعی آن شدند باید از فرصت تاریخی این انتخاب بهره حداکثری را برد و بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی (حتی بازگشت آمریکا به برجام) سراغ مذاکره با ساکنان جدید کاخ سفید رفت. گو آنکه اصل تثبیت شده در منظومه فکری اصلاح‌طلبان، حتمیت عقب‌نشینی در برابر زورگویی‌های آمریکاست و تنها در سر و شکل دادن به استدلال‌ها پیرامون چرایی این پذیرش سراغ ادبیات نرم دموکرات‌ها یا تهدیدهای خشن جمهوری خواهان می‌روند.

نکته‌ای که در این میان جلب توجه می‌کرد، تلاش تمام‌قدرت اصلاح‌طلبان برای پیوند زدن نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری به موقعیت و سرمایه اجتماعی‌شان در فضای داخلی ایران بود. آنها در شرایطی که کشور در بدترین موقعیت اقتصادی پس از انقلاب به سر می‌برد و افکار عمومی شاهد سقوط تکت‌کت تضمین‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان بود، تنها راه نجات خود را در «غیرمتعارف» توصیف کردن ترامپ یافته بودند. آنها در پاسخ به این سوالات که چرا نهایت وعده‌های اقتصادی دولت به رشد ۱۰ برابری نرخ ارز منتهی شد؟ چرا برجامی که به عنوان یک سند بین‌المللی بلندمدت به امضای تیم مذاکره‌کننده رسیده بود به این راحتی قابل نقض شدن بود؟ چرا سیاست چرخش به غرب دولت حتی اروپایی‌ها را در کنار ایران نگه نداشت؟ و ده‌ها سوال دیگر تنها یک پاسخ داشتند و آن هم این بود که ترامپ بازبگیری غیرمتعارف و دیوانه‌است که باعث نقش بر آب شدن تمام برنامه‌ریزی‌های برجامی شده‌است. این مساله تا جایی پیش رفت که رئیس‌جمهور حتی چندی پیش از مردم خواست لعن و نفرین‌های خود را به کاخ سفید ارسال کنند.

الگوی تک متغیری سیاست خارجی دولت که از سال ۹۲

پیگیری شده بود و همه معادلات را بر مبنای آغاز تعامل با آمریکا طراحی کرده بود، در نقطه‌ای که منتقدان سیاست خارجی دولت بارها نسبت به آن هشدار داده بودند با بن‌بست روبرو شد. همه تخم‌مرغ‌ها در سبد برجامی گذاشته شده بود که حالا به نقطه پایانی خود رسیده بود. دولت و اصلاح‌طلبان حامیان او در یک دوراهی گریزنناپذیر قرار گرفته بودند؛ یا باید سیاست‌گذاری خود را در ۳ سال باقیمانده از دولت تغییر می‌دادند یا بر مبنای همان سیاست‌های پیشین نسبت به زورگویی‌های دولت قلدربار ترامپ تساهل نشان می‌دادند. در چنین موقعیتی آنها انتخاب خود را بر مبنای انتظار و رصد هر گونه امکان نرمش از سوی طرف آمریکایی تنظیم کردند.

■ **تقدیم شاخه زیتون به ترامپ**

پیگیری مجموعه مواضع مقامات دولتی و در رأس آنها حسن روحانی و محمدجواد ظریف در کنار مواضع اصلاح‌طلبانی که به شکلی صریح‌تر خواسته‌های جریان حامی دولت را به زبان می‌آوردند، گویای واقعیتی انکارناپذیر است. هر قدر با گذر زمان، شکست آرزوهای برجامی دولت بیشتر رنگ واقعیت به خود می‌گرفت، جریان غرب‌گرا بیش از پیش به سوی لزوم عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی‌های ترامپ راغب می‌شد؛ مساله‌ای که از اوایل سال گذشته به وفور به گوش می‌رسید و رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه نیز از طرح علنی آن چندان دوری نمی‌جستند. مهربانه سال گذشته بود که ظریف

پیگیری روحانی تا دقیقه ۹۰

دیدار سال گذشته آبه شینزو، نخست‌وزیر سابق ژاپن با رهبر حکیم انقلاب در شرایطی که حامل پیام آمریکا برای طرف ایرانی نیز بود، اهمیت فراوانی در معادلات میان ۲ کشور داشت. جریان غرب‌گرا در تلاش بود این ارسال پیام از سوی آمریکا را تحت هر شرایطی مبذل به یک فرصت مذاکراتی کند اما در نهایت با واکنش رهبر انقلاب در جریان دیدار با آبه شینزو روبرو شد. در این میان جان بولتون در کتاب «تالی که در آن اتفاق افتاد» که اخیرا منتشر کرده است، به روایتی از آن ماجرا می‌پردازد که گویای تلاش برخی از دولت برای راضی نگه داشتن حامل پیام آمریکاست. او در بخشی از این کتاب با یادآوری آن دیدار نوشته است: «نتیجه

عنوان سندی برای حقایقت سیاست‌های خود مطرح می‌کرد، تمام تلاش خود را معطوف به چراغ سبزر نشان دادن به این پیشنهاد کرده بود اما تنها کسی که پیام مخالفت ایران برای تعامل با ترامپ را به علت برخورد عهدشکنانه‌اش در مواجهه با برجام به طرف آمریکایی رساند، رهبر انقلاب بود.

گذر ۶ ماه از دیدار آبه شینزو از تهران با سیاه‌ترین صفحه کارنامه ترامپ یعنی ترور شهید قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس در فرودگاه بغداد روبرو شد؛ اقدام دیوانه‌واری که عملا حکایت از به پایان رسیدن هر گونه گزینه مذاکراتی میان ۲ کشور داشت و فراتر از آن علنا پیام یک جنگ نیز به شمار می‌رفت. اما تنها چند هفته زمان لازم بود تا بار دیگر ظریف از به پایان نرسیدن احتمال گفت‌وگو با ترامپ به زخم شهادت سردار سلیمانی سخن بگوید و او را گفت‌وگو با نشربه اشپگیل آلمان در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا مذاکره با آمریکا پس از ترور سردار سلیمانی را غیرمحمتمل می‌دانید؟ اظهار داشت: «خبر! من هرگز چنین امکانی را رد نمی‌کنم به شرط آنکه آنها رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را به رسمیت بشناسند. از نظر ما مهم نیست چه کسی در کاخ سفید می‌نشیند؛ چیزی که اهمیت دارد نحوه رفتار آنهاست. دولت ترامپ می‌تواند گذشته‌اش را جبران کند، تحریم‌ها را بردارد و به میز مذاکره بازگردد. ما کامکان بر سر میز مذاکره هستیم». پیام مصاحبه ظریف در کوتاه‌ترین زمان ممکن



اینکه ایران فوراً این ملاقات را علنی کرده گلابه داشت اما باساز هم معتقد بود روحانی واقعا خواهان گفت‌وگو با ترامپ است و درباره اینکه روحانی چگونه پس از ملاقات آبه با [آیت‌الله] خامنه‌ای، در راهرو دنبال آبه دیوده تا به او بگوید برداشتن تحریم‌ها می‌تواند به گشایش باب گفت‌وگو کمک کند، سخن سرایی کرد».

کریاسچی و مذاکره بدون پیش شرط با ترامپ

نشاندن بایدن در جایگاه یک منجی خارجی، مجدداً دوگانه‌های انتخاباتی پیرامون حلیمان ومخالفان تعامل با آمریکا ایجاد کند اما دبیر کل آن تنها یک ماه پس از خروج غیرقانونی ترامپ از برجام، مذاکره بدون پیش شرط او را به عنوان نسخه نجات بخش تضمین می‌کرد. در حالی در بخشی از نامه مذکور در رهبر انقلاب درخواست خود را «فارغ از جنگ‌های روانی کاخ سفید با یک تصمیم ملی اعلام کند حاضر به انجام مذاکرات بدون قید و شرط با آمریکاست تا قدمی در راه‌حل مشکلات

خرداد سال ۹۷ تنها یک ماه پس از خروج دولت آمریکا از توافق هسته‌ای بود که خبر انتشار نامه ۱۰۰ فعال اصلاح‌طلب با موضوع پذیرش «مذاکره بدون پیش‌شرط» با ترامپ خبرساز شده‌نمادی که در میان اسامی امضاکنندگان آن نام‌های آشنایی در برخی فعالان خارج‌نشین فتنه ۸۸ نیز به چشم می‌آمد اما نامی که بیش از همه جلب توجه می‌کرد نام «غلامحسین کریاسچی» دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی بود؛ حزبی که از گان رسمی‌اش این روزها تمام تلاش خود را می‌کند تا با

چراغ سبزمرد خاکستری

جمهوری اسلامی ایران شد. خوئینی‌ها در حالی در بخشی از نامه سرگشاده خود نوشته‌بود «اگر شیوه‌ای که تاکنون به کار رفته استنتیجۀ محاسبات متعارف و بر اساس آرا و تحلیل‌های شناخته‌شده در حکمرانی است، پس هستند پرشمار صاحب‌نظرانی که حق دارند و باید مجاز باشند زبان و قلم، به نقد بکشایند و درست و نادرست این روش را تذکر دهند و اصلاح آن را با تأکید درخواست کنند و نگران پیامدهای ناگوار بهر‌مندی از این حق طبیعی و الهی نباشند» که او و دیگر همقطاران

محمد موسوی خوئینی‌ها که به‌مرد خاکستری اصلاح‌طلبان نیز مشهور است، از چهره‌های سنتی و پرنفوذ این جریان به شمار می‌آید. بررسی مواضع سیاسی او نشان از آن دارد علاقه چندانی به اظهارات عمومی نداشت‌ه و عمده تلاش خود را معطوف به مسائل درون جناحی اصلاح‌طلبان می‌کند با این حال تیرماه سال جاری بود که خوئینی‌ها در نامه‌ی سرگشاده به رهبر انقلاب که با استقبال گسترده رسانه‌های ضدانقلاب نیز مواجه شد، مدعی لزوم تغییر گسترده در شیوه حکمرانی

تسلیم، سناریوی تک خطی تاجزاده

حاضر برای نیل به صلح پایدار درباره همه مسائل بویژه لزوم تغییر رفتار بی‌ثبات‌ساز آمریکا در خاورمیانه و مداخلات گذشته‌اش در ایران در حاشیه اجلاس سران سازمان ملل با او صریح و شفاف گفت‌وگو کنیم». تاجزاده البته تنها به این قانع نشد و مرتبط ساختن هر حادثه‌ای برای نسبت دادن آن به لزوم مذاکره با ترامپ را دستور کار خود قرار داد؛ برای نمونه پس از انهدام پهپاد گلوبال هاوک بود که در موضعی دیگر نوشت: «با سرنگونی پهپاد آمریکایی، فرصتی مناسب برای ورود به فاز دیپلماتیک فراهم شده‌است. جمهوری اسلامی می‌تواند آمادگی خود را برای مذاکره با آمریکا به منظور کاهش تنش و عدل‌لزم حل‌وفصل مسائل دوچانبه، به

با برجام نابی نهایت!

ایده‌ها ندارد. اگر دونالد ترامپ در انتخابات پیروز شود، قصد دارد هزینه بیشتری بر ما تحمیل کند، البته ما هم می‌توانیم مشکلاتی برای آنها ایجاد کنیم، اگر جو بایدن برنده شود با هزینه کمتری حرکت می‌کنیم، اینکه باید جمهوری اسلامی به سمتی حرکت کند و تغییراتی به وجود آورد تا از این مرحله عبور کنیم، هیچ تردیدی وجود ندارد». مواضع اینچنینی این فعال سیاسی جریان اصلاحات در شرایطی است که او بارها مدعی عدم دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی با کشورمان شده بود و ایران را عامل این نزاع‌ها خوانده بود. زبیکلام که به عنوان یکی از فعال‌ترین حامیان برجام شناخته می‌شود، در حالی در تمام سال‌های دولت ترامپ، ایران را به علت عدم عقب‌نشینی مقابل دولت او مورد مواخذه قرار

شنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۹
 وطن‌امروز | شماره ۳۰۷۱

سیاست



به گوش طرف آمریکایی رسید تا ترامپ مجدداً با ادبیاتی تحقیرآمیز گامی جلوتر بیاید و در توتیتی بنویسند: «وزیر امور خارجه ایران می‌گوید ایران خواستار مذاکره با ایالات متحده است اما می‌خواهد تحریم‌ها برداشته شود. نه! مرسی!» با این حال ادبیات توهین‌آمیز ترامپ نیز مانعی بر سر راه پیشنهاد عقب‌نشینی جریان غرب‌گرا در یک سال باقیمانده از دولت ترامپ نشد.

■ **بازی وابستگیان**

فرارسیدن زمان رقابت‌های انتخاباتی آمریکا بار دیگر شکاف تحلیلی جریان انقلابی از جریان غرب‌گرا در مواجهه با آمریکا را پررنگ کرد؛ شکافی که در یک سوی آن، انقلابیون معتقدند آنچه باید مورد توجه قرار گیرد قدرت داخلی ایران به عنوان ابزار مهار فشار آمریکاست و در سوی دیگر غرب‌گرایانی که تغییر سیاسی در آمریکا را به عنوان نشانه‌های جدید برای لزوم عقب‌نشینی ملی در برابر این کشور مطرح می‌کنند. این بار اما شرایط تغییر دیگری هم کرده بود؛ غرب‌گرایانی که سابقا تجربه هم‌سرنوشت اعلام کردن خود با اوپاما را داشتند، سراغ به راه‌یافتن و برای آنکه از سنگینی انگ این وابستگی به طرف خارجی بکاهند، دور جدیدی از تبلیغات منفی را علیه رقبای خود آغاز کردند. «ترامپیست» نامیدن جریان انقلابی، به بهانه اینکه همانند غرب‌گرایان به شکلی سادهلوحانه از تغییر دولت آمریکا مشعوف نشده بودند، از نخستین ساعات اعلام پیروزی بایدن پیگیری شد. آنها در شرایطی تلاش می‌کردند چهره منتقدان دولت را که صحت گزاره‌های واقع‌بینانه‌اش در سال‌های گذشته ثابت شده بود، حامی ترامپ توصیف کنند که از قضا زمانی که آنها با تمام توان به دنبال نشان دادن چراغ سبزی به ترامپ بودند، این جریان در برابر تمامیت خواهی و فرضا در موقعیت فعلی نیز ایران موضعی قاطع برای پذیرش پیشنهادهای مذاکراتی دولت جدید آمریکا داشته باشد و در این جایگاه قرار گرفته باشد که هر گونه تعاملی را مشروط ایده «مذاکره بدون پیش‌شرط» غرب‌گرایان با ترامپ است.

بر این اساس ترامپ‌یست خواندن جریان و تفکری که از قضا با قطع‌بینی خود مانع از افتادن کشور در دام پیشنهاد‌های ترامپ شده بود، تنها گواهی بر این است که غرب‌گرایان برای اعاده حیثیت سیاسی خود مجبور به تخریب آنها شده‌اند. در همین زمینه در ادامه این گزارش به بررسی موردی واکنش‌های جریان اصلاحات در ۴ سال گذشته پیرامون فشار به نظام برای پذیرفتن فشارهای ترامپ می‌پردازیم.



و اختلافات بر داشته‌شود» که فتح‌القوتح سیاسی آنان در برجام، پس از انجام تمام تعهدات ایران از سمت طرف آمریکایی نقض آشکار شده بود. در همین زمینه مهم‌ترین پرسشی که این روزها باید از جریان اصلاحات و حزب کارگزاران به طور اخص پرسید، این است که آنها اساسا چه مخالفتی از عقب‌نشینی در برابر زورگویی‌های ترامپ داشته‌اند که حالا پیروزی بایدن را به مثابه یک موقعیت طلایی تصویر می‌کنند؟



هنوز بابت نتایج دولت مورد حمایت خود هیچ مسؤیولیتی را نپذیرفته‌اند. با این حال هر چند خوئینی‌ها در نامه خود مستقیما به عقب‌نشینی در برابر زورگویی‌های ترامپ اشاره‌ای نکرده بود اما عمده تحلیلمگران در جریان‌های ضدانقلاب نیز منظور وی از تغییر محاسبات را پذیرش این عقب‌نشینی تفسیر کرده‌ند؛ تفسیری که البته نه شخص خوئینی‌ها و نه دیگر اصلاح‌طلبان نیز آن را تکذیب نکردندا



شرط آمادگی ایالات متحده برای بازگشت به برجام اعلام کند»«جنگ انداختن به‌موضعات مختلف و مرتبط کردن آنها به لزوم عقب‌نشینی مقابل زیاده‌خواهی‌های ترامپ تا جایی ادامه یافت که او اخیرا با استناد به خیر معجول توقیف یار نفتکش ایرانی توسط آمریکا، مخالفان خود را مسببان غارت و تحقیر ایرانیان شمرده بود. در نهایت بررسی الگوی مواضع مصطفی تاجزاده و عطش او برای کوتاه آمدن مقابل زیاده‌خواهی‌های ترامپ در تمام مقاطع زمانی ۴ سال گذشته نمایانگر این اصل است که او تنها سناریو برای ایران را «تسلیم» می‌داند.



می‌داد که سابق بر این در واکنش به محقق نشدن وعده‌های برجامی دولت گفته بود: «با تحریم، بی‌تحریم، با برجام بی‌برجام و با فعالیت هسته‌ای و بدون فعالیت هسته‌ای هیچ نور امیدى بر اقتصاد ما نخواهد تابید؛ هر که گفت با انرژی هسته‌ای ایران گلستان می‌شود، دروغ گفت ولی با توافق هسته‌ای هم ایران گلستان نخواهد شد!» زبیکلام پیش از این نیز و در جریان رقابت‌های انتخاباتی ۴ سال قبل آمریکا در واکنش به این سوال بود که با یاری آوردن جمهوری خواهان احتمال خروج آمریکا از برجام قوت می‌گیرد، گفته بود: «مردم آمریکا اجازه خروج دولت‌شان از برجام را نمی‌دهند!»